

📖 الدَّرْسُ الْأَوَّلُ - مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ (مرور درس‌های هفتم و هشتم)

🔑 واژگان کلیدی و مروری درس اول:

کلمه عربی	معنی فارسی	نوع کلمه (فعل، اسم، صفت...)	مفرد/جمع/متضاد/مترادف مهم
آمِن	ایمن	صفت	
الْعُبُورُ الْأَمِنُ	عبور ایمن	ترکیب وصفی	
إِبْتَدَأَ	شروع شد	فعل ماضی	مضارع: يَبْتَدِئُ
أَتَمَّنِي	آرزو می‌کنم	فعل مضارع	ماضی: تَمَنَّى
بَنِينَ	پسران	اسم (جمع)	مفرد: ابْن
بَنَات	دختران	اسم (جمع)	مفرد: بِنْت
تَخَرَّجَ	دانش‌آموخته شد	فعل ماضی	مضارع: يَتَخَرَّجُ
تَلَامِيذُ	دانش‌آموزان	اسم (جمع)	مفرد: تَلَمِيذٌ
خَذَ	بگیر، بردار	فعل امر (از أَخَذَ)	ماضی: أَخَذَ، مضارع: يَأْخُذُ
دِرَاسَة	تحصیل، درس خواندن	اسم	صفت نسبی: دِرَاسِيٌّ (تحصیلی)
دَرَسَ	درس داد	فعل ماضی	مضارع: يُدَرِّسُ
ذَهَاب	رفتن	اسم مصدر	
رَصِيف	پیاده‌رو	اسم	جمع: أَرْصِيفَة
زَادَ	زیاد کرد، زیاد شد	فعل ماضی	مضارع: يَزِيدُ
زَارَ	زیارت کرد	فعل ماضی	مضارع: يَزُورُ
سَأَلَ	پرسید، درخواست کرد	فعل ماضی	مضارع: يَسْأَلُ
صِعَاب	سختی‌ها	اسم (جمع)	مفرد: صَعْب
عام	سال	اسم	ترکیب: عامٌ دِرَاسِيٌّ (سال تحصیلی)
قِيَام	برخاستن	اسم مصدر	
مَمَات	مرگ	اسم	متضاد: حَيَاة
مَمَرُ الْمَشَاة	گذرگاه پیاده	ترکیب اضافی	مُشَاة (جمع ماشی): پیادگان
مِنْطَقَة تَعْلِيمِ الْمُرُورِ	پارک آموزش ترافیک	ترکیب اضافی	
تَبَقَّى	می‌مانیم	فعل مضارع (از بَقِيَ)	ماضی: بَقِيَنا
ها	هان! (حرف تنبیه)	حرف	
يَحْذَرُ	هشدار می‌دهد، پرهیز می‌کند	فعل مضارع (از حَذَرَ)	ماضی: حَذَرَ
يَمْشُونَ	راه می‌روند	فعل مضارع (از مَشَى)	ماضی: مَشَوْا

📌 نکات قواعدی مرور شده در درس اول:

- یادآوری فعل ماضی و مضارع: تشخیص زمان فعل و صرف اولیه آن برای ضمایر مختلف.
- اسم اشاره: مرور هذا، هذه، هؤلاء (برای نزدیک) و ذلِک، تِلْک، أولَئِک (برای دور).
- کلمات پرسشی: مرور مَنْ، ما، ماذا، أَيْنَ، مَتَى، کَيْفَ، کَمْ، لِمَاذَا، هَلْ، أ.
- حروف جر و اسم مجرور: یادآوری اینکه اسم بعد از حروف جر (مثل: فِي، إلی، مِنْ، عَلَی، بِ، لَ) مجرور می‌شود (معمولاً کسره می‌گیرد).
- ترکیب وصفی (موصوف + صفت) و اضافی (مضاف + مضاف‌الیه): آشنایی اولیه و تشخیص ساده.
- ساعت‌خوانی مقدماتی: اشاره به ساعت‌های کامل (مثلاً: السَّاعَةُ الْوَاحِدَةُ).
- ضمایر منفصل: مرور ضمایر چهارده‌گانه (أنا، نَحْنُ، أَنْتَ، أَنْتِ، هُوَ، هِیَ).

📖 الدَّرْسُ الثَّانِي - اَلْعُبُورُ اَلْأَمِنُ (عبور ایمن)

🔑 واژگان کلیدی جدید و مهم درس دوم:

کلمه عربی	معنی فارسی	نوع کلمه (فعل، اسم، صفت...)	مفرد/جمع/متضاد/مترادف مهم
أَمِنَ	ایمان آورد	فعل ماضی	مضارع: يُؤْمِنُ
أَحَبُّ	محبوب‌ترین، دوست‌داشتنی‌ترین	اسم تفضیل	
إِشَارَاتُ الْمُرُورِ	علامت‌های راهنمایی و رانندگی	ترکیب اضافی	مفرد: إِشَارَةُ الْمُرُورِ
إِدَارَةُ الْمُرُورِ	اداره راهنمایی و رانندگی	ترکیب اضافی	
أَنْصَحُ	اندرزگو‌ترین، نصیحت‌کننده‌تر	اسم تفضیل	
أَيُمْكِنُ أَنْ تَرْجِعَ؟	آیا امکان دارد برگردی؟	جمله پرسشی (فعل: يُمْكِنُ)	
بُكَاءٍ	گریه کردن	اسم مصدر	
تَالِي	بعدی، دنباله‌رو	صفت/اسم	ترکیب: اَلْيَوْمَ التَّالِي (روز بعد)
تُعْطِينِي	به من می‌دهی	فعل مضارع	ریشه: عَطَى، مصدر: إعطاء
تَفْضُلُ	بفرما	فعل امر	
تَكَلَّمَ	صحبت کرد	فعل ماضی	مضارع: يَتَكَلَّمُ
تَوَجَّدُ	وجود دارد، یافت می‌شود	فعل مضارع (مؤنث)	مذکر: يَوْجَدُ
جِهَةٌ	جهت، سو	اسم	جمع: جِهَات
ذِكِّي	باهوش	صفت	جمع: أَذْكِيَاء
رَقَدَ	بستری شد، خوابید	فعل ماضی	مضارع: يَرْقُدُ
سَتَرَ	پوشاند، پنهان کرد	فعل ماضی	مضارع: يَسْتُرُ
شَاوِنُ الْجَوَالِ	شارژر موبایل	ترکیب اضافی	جَوَال: موبایل
شَقَاوَةٌ	بدبختی	اسم	متضاد: سَعَادَةٌ (خوشبختی)
صَحِيفَةٌ	روزنامه	اسم	جمع: صُحُف، صحائف
صَحِيفَةٌ جِدَارِيَّةٌ	روزنامه دیواری	ترکیب وصفی	
صَدِمَ	برخورد کرد	فعل ماضی	مضارع: يَصْدِمُ
فَجَاءَهُ	ناگهان	قید	مترادف: بَغْتَةً
فُتِحَ	زشتی	اسم	متضاد: جَمَال، حُسْن
لَقَدْ	قطعاً، به تحقیق (برای تأکید ماضی)	حرف	
لِمَ (لِ + مَا)	برای چه؟ چرا؟	حرف جر + اسم استفهام	
مَا	آنچه، چیزی که	اسم موصول/استفهام	
مَحَلٌّ	مغازه، فروشگاه	اسم	جمع: مَحَلَّات
مَعَ الْأَسَفِ	متأسفانه	عبارت قیدی	
نَادَى	صدا زد	فعل ماضی	مضارع: يُنَادِي
هَادِئٌ	آرام	صفت	
يَسْتَدُونَ	می‌پندند	فعل مضارع (از سَدَّ)	مفرد مذکر: يَسُدُّ

📌 نکات قواعدی مهم درس دوم:

- وزن و حروف اصلی کلمات (فاعل و مفعول):
- این درس بر روی تشخیص **حروف اصلی** (ریشه) کلمات و پیدا کردن کلمات هم‌خانواده تأکید دارد.
- **وزن فاعل:** برای کننده کار (مثال: کَاتِبٌ از ریشه ک ت ب).
- **وزن مفعول:** برای آنچه کار بر آن انجام شده (مثال: مَكْتُوبٌ از ریشه ک ت ب).
- دانش‌آموز باید بتواند حروف اصلی یک کلمه را تشخیص دهد (مثلاً **عَالِمٌ** و **مَعْلُومٌ** هر دو از ریشه **ع ل م** هستند) و معنای آن را بر اساس وزن حدس بزند یا به خاطر بسپارد.
- **فن ترجمه:** توجه به ترجمه دقیق کلماتی که می‌توانند معنای فاعل یا مفعول داشته باشند.
- مثال: **حامد** : ستاینده (کننده کار، فاعل)، **محمود** : ستوده شده (کار بر او انجام شده، مفعول).

📖 آَلَذَّرْسُ الثَّالِثُ - جِسْرُ الصَّدَاقَةِ (پل دوستی)

🔑 واژگان کلیدی جدید و مهم درس سوم:

کلمه عربی	معنی فارسی	نوع کلمه (فعل، اسم، صفت...)	مفرد/جمع/متضاد/مترادف مهم
أَجْرَةٌ	کرایه، مزد	اسم	جمع: أَجْرٌ
إِخْوَانٌ	برادران	اسم (جمع)	مفرد: أَخٌ
إِعْتَذَرُ	معذرت خواست	فعل ماضی	مضارع: يَعْتَذِرُ
أَعْجَزُ	ناتوان‌ترین	اسم تفضیل	
جِسْرٌ	پُل	اسم	جمع: جُسُورٌ
حَسِبَ	پنداشت، گمان کرد	فعل ماضی	مضارع: يَحْسِبُ
خَمْسَةٌ وَ عِشْرُونَ أَلْفًا	بیست و پنج هزار	عدد	
رَجَاءٌ	لطفاً	قید (معادل: مِنْ فَضْلِكَ)	
رَجِيمٌ	رانده شده	صفت	
شَغَلَ	روشن کن	فعل امر (از شَغَلَ)	ماضی: شَغَلَ، مضارع: يُشَغَلُ
عَجَزَ	ناتوان شد	فعل ماضی	مضارع: يَعْجِزُ
عَدُوٌّ	دشمن	اسم	جمع: أَعْدَاءٌ، متضاد: صَدِيقٌ
غَضِبَ	خشمگین شد	فعل ماضی	مضارع: يَغْضَبُ
غَضَبَانٌ	خشمگین	صفت	مؤنث: غَضْبَى
قَاطِعُ الرِّجْمِ	قطع‌کننده پیوند خویشاوندی	ترکیب اضافی/صفت	
قَبِلَ	بوسید	فعل ماضی	مضارع: يُقْبَلُ
قَسَمَ	تقسیم کرد	فعل ماضی	مضارع: يُقَسِّمُ
كَشَفَ	آشکار کرد	فعل ماضی	مضارع: يَكْشِفُ
لَا تَرْكَبُ	سوار نمی‌شویم	فعل مضارع منفی	ماضی: مَا رَكَبْنَا، امر: إِزْكَبُوا
مَخْزَنٌ	انبار	اسم	جمع: مَخَازِنٌ
مَرَافِقُ صِحَّةٍ	سرویس بهداشتی	ترکیب وصفی	مفرد: مِرْفَقٌ صِحِّيٌّ
مُعْطَلٌ	خراب، از کار افتاده	اسم مفعول/صفت	
مُكَيِّفٌ	کولر	اسم	
نَزَلَ	پایین آمد	فعل ماضی	مضارع: يَنْزِلُ

📌 نکات قواعدی مهم درس سوم:

- فعل امر (برای مفرد مذکر و مفرد مؤنث):
 در این درس بر روی ساخت و کاربرد فعل امر برای "تو" (مفرد مذکر: اِفْعَلْ) و "تو" (مفرد مؤنث: اِفْعَلِي) تاکید شده است.
- مثال از متن درس: اُخْرِجْ (خارج شو - خطاب به پسر)، اُخْرِجِي (خارج شو - خطاب به همسر).
- یادآوری: فعل امر از فعل مضارع مخاطب با حذف حرف مضارعه (تَ در اینجا) و تغییرات لازم در ابتدا (گذاشتن همزه وصل در صورت نیاز) و انتهای فعل (ساکن شدن یا حذف نون) ساخته می‌شود.
- مرور ترکیب اضافی و وصفی در جملات.

📖 الدَّرْسُ الرَّابِعُ - الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ (صبر کلید گشایش است)

🔑 واژگان کلیدی جدید و مهم درس چهارم:

کلمه عربی	معنی فارسی	نوع کلمه (فعل، اسم، صفت...)	مفرد/جمع/متضاد/مترادف مهم
أُبْحَاث	پژوهش‌ها، تحقیقات	اسم (جمع)	مفرد: بَحْث
اِحْتَرَقَ	آتش گرفت، سوخت	فعل ماضی	مضارع: يَحْتَرِقُ
أَدَاء	به جا آوردن، انجام دادن	اسم مصدر	
إِذْ	آنگاه، هنگامی که	حرف/ظرف زمان	
أَصَابَ	برخورد کرد، رسید، مبتلا شد	فعل ماضی	مضارع: يُصِيبُ
أَفْرِقَ	تیم‌ها، گروه‌ها	اسم (جمع)	مفرد: فَرِيق
اِنْكَسَرَ	شکسته شد	فعل ماضی	مضارع: يَنْكَسِرُ
بَعَثَهُ	ناگهان	قید	مترادف: فَجْأَةً
تَقْتَرِبُ مِنَّا	به ما نزدیک می‌شود	فعل مضارع	ماضی: اقْتَرَبَتْ مِنَّا
جَامِعَةٌ	دانشگاه	اسم	جمع: جامِعات
حَرْبٍ	جنگ	اسم	صفت نسبی: حَرْبِيّ (جنگی)
دُخَانٍ	دود	اسم	
رِياحٍ	بادها	اسم (جمع)	مفرد: رِيح
زاحَمْتُكَ	مزاحم شما شدم، به زحمت انداختم	فعل ماضی	مضارع: اَزَاحِمُكَ
شَبَابٍ	جوانان، جوانی	اسم (جمع و مصدر)	مفرد (برای شخص): شَابٌّ
صَرَخَ	فریاد زد	فعل ماضی	مضارع: يَصْرُخُ
الصَّينِ	چین (کشور)	اسم	
عَصَفَ	وزید (باد شدید)	فعل ماضی	مضارع: يَعْصِفُ
فَرَجٍ	گشایش، رهایی	اسم	
فَقَدَ	از دست داد، گم کرد	فعل ماضی	مضارع: يَفْقِدُ
مَضَى	گذشت (زمان)	فعل ماضی	مضارع: يَمْضِي
مَطَرٍ	باران	اسم	جمع: أَمْطَار
مُحَاوَلَةٌ	تلاش، کوشش	اسم مصدر	جمع: مُحَاوَلَات
مُواصَلَةٌ	ادامه دادن، پیگیری	اسم مصدر	
مِيَاهٍ	آب‌ها	اسم (جمع)	مفرد: مَاء
نَبَاتَاتٍ	گیاهان	اسم (جمع)	مفرد: نَبَات

📌 نکات قواعدی مهم درس چهارم:

• فعل امر (برای جمع مذکر، جمع مؤنث، مثنی مذکر و مثنی مؤنث):

• این درس ساخت و کاربرد فعل امر را برای سایر صیغه‌های مخاطب گسترش می‌دهد:

• جمع مذکر مخاطب (أَنْتُمْ): اِفْعَلُوا (مثال از متن: اِسْمَعُوا : گوش کنید، اِجْمَعُوا : جمع کنید)

• جمع مؤنث مخاطب (أَنْتُنَّ): اِفْعَلْنَ (مثال از متن: اُطْبِخْنَ : بپزید)

• مثنی مخاطب (مذکر اَنْتُمَا و مؤنث اَنْتُمَا یکسان): اِفْعَلَا (مثال از متن: اِجْلِبَا : بیاورید (شما دو نفر)، اِجْعَلَا : جستجو کنید (شما دو نفر))

• مرور فن ترجمه: توجه به ترجمه صحیح افعال امر در جملات و تشخیص مخاطب آن‌ها.

📖 الدَّرْسُ الْخَامِسُ - الرَّجَاءُ (امید)

🔑 واژگان کلیدی جدید و مهم درس پنجم:

کلمه عربی	معنی فارسی	نوع کلمه (فعل، اسم، صفت...)	مفرد/جمع/متضاد/مترادف مهم
أَسَدٌ	شیر (حیوان)	اسم	جمع: أَسُود، أَشَدُّ
ثُعْلَبٌ	روباه	اسم	جمع: ثُعَالِبٌ
ثَقِيلُ السَّمْعِ	سنگین گوش، کم شنوا	ترکیب وصفی/صفت	سَمْعٌ: شنوایی
جَدٌّ	کوشید، تلاش کرد	فعل ماضی	مضارع: يَجِدُّ
جَرَحَ	زخمی کرد، مجروح ساخت	فعل ماضی (باب تفعیل)	مضارع: يُجَرِّحُ
حَاوَلَ	تلاش کرد، کوشید	فعل ماضی (باب مفاعله)	مضارع: يُحَاوِلُ
حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ	باغ وحش	ترکیب اضافی	
رَائِدٌ	جلودار، پیشرو	اسم فاعل/صفت	
سَكَّتَ	ساکت شد	فعل ماضی	مضارع: يَسْكُتُ
شَجَّعَ عَلِيَّ	تشویق کرد به	فعل ماضی (باب تفعیل)	مضارع: يُشَجِّعُ
ظَنَّ	گمان کرد، پنداشت	فعل ماضی	مضارع: يَظُنُّ
قَرَعَ	کوبید (در را)	فعل ماضی	مضارع: يَقْرَعُ، مترادف: طَرَقَ
كَلَبَ	سگ	اسم	جمع: كِلَابٌ
لَجَّ	پافشاری کرد، اصرار ورزید	فعل ماضی	مضارع: يَلِجُّ
مَاتَ	مُرد	فعل ماضی	مضارع: يَمُوتُ
مَصِيرٌ	سرنوشت	اسم	جمع: مَصَائِرٌ
نَجَاحٌ	موفقیت، پیروزی	اسم	متضاد: فَشَلٌ (شکست)
نَقَصَ	کم شد	فعل ماضی	مضارع: يَنْقُصُ، متضاد: زَادَ
وَلَجَّ	داخل شد	فعل ماضی	مترادف: دَخَلَ

📌 نکات قواعدی مهم درس پنجم:

- فعل نهی (برای مفرد مذکر و مفرد مؤنث):
این درس بر روی ساخت و کاربرد فعل نهی (بازداشتن از انجام کار) برای "تو" (مفرد مذکر: لَا تَفْعَلْ) و "تو" (مفرد مؤنث: لَا تَفْعَلِي) تاکید دارد.
- ساخت: لَا (ی نهی) + فعل مضارع مخاطب مجزوم (یعنی آخرش تغییر می‌کند: معمولاً ساکن می‌شود یا نون آخرش حذف می‌شود).
- مثال از متن درس (یا مشابه آن): لَا تَقْنَطُ (ناامید نشو - مذکر)، لَا تَيَاسِيَ (مأیوس نشو - مؤنث).
- تفاوت با "لای نفی": "لای نفی" فقط معنی فعل مضارع را منفی می‌کند و در ظاهر فعل تغییری ایجاد نمی‌کند (مثلاً: لَا يَذْهَبُ : نمی‌رود). اما "لای نهی" علاوه بر معنی، آخر فعل را هم تغییر می‌دهد (جزم) و برای دستور به ترک فعل است.

📖 الدَّرْسُ السَّادِسُ - تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ (تغییر زندگی)

🔑 واژگان کلیدی جدید و مهم درس ششم:

کلمه عربی	معنی فارسی	نوع کلمه (فعل، اسم، صفت...)	مفرد/جمع/متضاد/مترادف مهم
اِسْتَلَمَ	دریافت کرد، تحویل گرفت	فعل ماضی	مضارع: يَسْتَلِمُ
تَسْمِيَةٌ	نام‌گذاری	اسم مصدر	فعل: سَمَّى (نامید)
تَعَلَّمَ	یاد گرفت	فعل ماضی	مضارع: يَتَعَلَّمُ
حَفْلَةُ زَوَاجٍ	جشن عروسی	ترکیب اضافی	حَفْلَةُ مِيلَادٍ: جشن تولد
دَفَعَ	دور کرد، پرداخت، دفع کرد	فعل ماضی	مضارع: يَدْفَعُ، مصدر: دَفْعٌ
رَاسِبٌ	مردود، روزه	اسم فاعل/صفت	متضاد: نَاجِحٌ (موفق)
رَاقِدٌ	بستری، خوابیده	اسم فاعل/صفت	فعل: رَقَدَ (بستری شد)
رَائِحَةٌ	بو	اسم	جمع: زَوَائِحُ
رَسَبَ	مردود شد	فعل ماضی	مضارع: يَرْسُبُ
رَوْحٌ	رحمت، آسایش، نسیم	اسم	
زُجَاجَةٌ عِطْرٍ	شیشه عطر	ترکیب اضافی	زُجَاجَةٌ: شیشه، عِطْرٌ: عطر
صَوْمٌ	روزه	اسم مصدر	فعل: صَامَ (روزه گرفت)
عَطَّرَ	عطر زد، خوشبو کرد	فعل ماضی (باب تفعیل)	مضارع: يُعَطِّرُ
غَيَّرَ	تغییر داد	فعل ماضی (باب تفعیل)	مضارع: يُغَيِّرُ
لَامَ	سرزنش کرد	فعل ماضی	مضارع: يَلُومُ
مِثَالِي	نمونه، ایده‌آل	صفت	
مُرْدَحَمٌ	شلوغ، پرازدحام	اسم فاعل/صفت	فعل: إِزْدَحَمَ (شلوغ شد)
مَلَفٌ	پرونده	اسم	جمع: مَلَفَاتٌ
نَامٌ	خوابید	فعل ماضی	مضارع: يَنَامُ، متضاد: اِسْتَيْقَظَ
نَشِيطٌ	فعال، با نشاط	صفت	متضاد: كَسْلَانٌ (تنبل)
هِيَ	آن عبارت است از، آن یعنی	ضمیر + (گاهی برای توضیح)	

📌 نکات قواعدی مهم درس ششم:

- فعل نهی (برای سایر صیغه‌های مخاطب):
این درس ساخت و کاربرد فعل نهی را برای سایر صیغه‌های مخاطب (جمع مذکر، جمع مؤنث، مثنی مذکر و مؤنث) مرور و تکمیل می‌کند.
- جمع مذکر مخاطب (أَنْتُمْ): لا تَفْعَلُوا (مثال: لا تَضْحَكُوا : نخندید)
- جمع مؤنث مخاطب (أَنْتُنَّ): لا تَفْعَلْنَ (مثال: لا تَضْحَكْنَ : نخندید)
- مثنی مخاطب (أَنْتَما): لا تَفْعَلَا (مثال: لا تَذْهَبَا : نروید (شما دو نفر))
- تفاوت "لا"ی نهی و "لا"ی نفی:
 • "لا"ی نهی: برای بازداشتن از انجام کار است، مخصوص فعل مضارع مخاطب است و آخر فعل را مجزوم می‌کند (علامت جزم: سکون، حذف نون).
 • "لا"ی نفی: برای منفی کردن معنی فعل مضارع است، می‌تواند برای همه صیغه‌ها (غایب، مخاطب، متکلم) بیاید و تغییری در ظاهر فعل ایجاد نمی‌کند.
- مثال: لا يَضْحَكُ (نمی‌خندد - نفی) / لا تَضْحَكُ (نخند - نهی).

📖 اَلدَّرْسُ السَّابِعُ - ثَمَرَةُ الْجِدِّ (نتیجه تلاش و کوشش)

🔑 واژگان کلیدی جدید و مهم درس هفتم:

کلمه عربی	معنی فارسی	نوع کلمه (فعل، اسم، صفت...)	مفرد/جمع/متضاد/مترادف مهم
آلَة	دستگاه، ابزار	اسم	جمع: آلات
أَحْسَنَ عَمَلًا	کاری را نیکو انجام داد	عبارت فعلی	
أَدَوَات	ابزارها، وسایل	اسم (جمع)	مفرد: أداة
أَضَاعَ	تباه کرد، ضایع کرد	فعل ماضی	مضارع: يُضِيعُ
أَنْقَذَ	نجات داد	فعل ماضی	مضارع: يُنْقِذُ
بَضَائِع	کالاها	اسم (جمع)	مفرد: بِضَاعَة
بَطَّارِيَة	باتری	اسم	
تِمَثَال	مجسمه، تندیس	اسم	جمع: تَمَائِل
رَئِيسِيّ	اصلی، عمده	صفت	
شَرِكَة	شرکت	اسم	جمع: شَرِكَات
صِنَاعَة	صنعت	اسم	صفت نسبی: صِنَاعِيّ (صنعتی)
طَاقَة كَهْرَبَائِيَّة	نیروی برق	ترکیب وصفی	گَهْرَبَاء: برق
طَبَعَ	چاپ کرد	فعل ماضی	مضارع: يَطْبَعُ
طَرَدَ	راند، دور کرد	فعل ماضی	مضارع: يَطْرُدُ
طُفُولَة	کودکی	اسم	
عَرَبَة	گاری، چرخ دستی	اسم	جمع: عَرَبَات
كَثُرَ	زیاد شد	فعل ماضی	مضارع: يَكْثُرُ، متضاد: قَلَّ
كَمَلَ	کامل کرد	فعل ماضی (باب تفعیل)	مضارع: يُكْمَلُ
کیمیایوی	شیمیایی	صفت	اسم: کیمیاء (شیمی)
مُسَجَّل	دستگاه ضبط	اسم آلت	فعل: سَجَّلَ (ثبت کرد)
مَطْبَعَة	چاپخانه	اسم مکان	جمع: مَطَابِع
نَفَقَات	هزینه‌ها	اسم (جمع)	مفرد: نَفَقَة
نَوْم	خواب	اسم مصدر	فعل: نَامَ (خوابید)
وَضَعَ	گذاشت، قرار داد	فعل ماضی	مترادف: جَعَلَ
يَدْوَرُ عَلَى	می‌چرخد دور ...، مربوط است به ...	فعل مضارع	ماضی: دَارَ عَلَى

📌 نکات قواعدی مهم درس هفتم:

- ترکیب وصفی و اضافی (مرور و تکمیل):
- این درس بر روی تشخیص دقیق‌تر و ترجمه صحیح ترکیب‌های وصفی و اضافی تاکید دارد.
- یادآوری ترکیب وصفی: صفت از موصوف در جنس، تعداد، معرفه/نکره و اعراب تبعیت می‌کند.
- مثال: الْعَامِلُ النَّشِيطُ (کارگر فعال)، مَدِينَةٌ كَبِيرَةٌ (شهری بزرگ).
- یادآوری ترکیب اضافی: مضاف (اسم اول) «ال» و تنوین نمی‌گیرد. مضاف الیه (اسم دوم) معمولاً مجرور است.
- مثال: مِفْتَاحُ الْبَابِ (کلید در)، كِتَابُ الطَّالِبِ (کتاب دانش‌آموز).
- ترکیب‌های چندگانه: گاهی یک ترکیب اضافی، خودش موصوف برای یک صفت قرار می‌گیرد (مثلاً: مِفْتَاحُ الْبَابِ الْجَدِيدِ : کلید جدید در) یا یک موصوف، خودش مضاف است (مثلاً: طَالِبُ الْمَدْرَسَةِ الْمُجْتَهِدُ : دانش‌آموز کوشای مدرسه). تشخیص این موارد در ترجمه مهم است.

📖 الدَّرْسُ الثَّامِنُ - حِوَارُ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأُجْرَةِ (گفتگو میان زائر و راننده تاکسی)

🔑 واژگان کلیدی جدید و مهم درس هشتم:

کلمه عربی	معنی فارسی	نوع کلمه (فعل، اسم، صفت...)	مفرد/جمع/متضاد/مترادف مهم
إِسْتَخْرَجَ	بیرون آورد، استخراج کرد	فعل ماضی	مضارع: يَسْتَخْرِجُ
إِسْتَعْلَ	کار کرد، مشغول شد	فعل ماضی	مضارع: يَسْتَعْلُ
بِئْر	چاه	اسم	جمع: آبار
تَعَالَى	بیا (فعل امر خاص)	فعل امر	(برای مذکر، مؤنث و جمع یکسان)
ثَلَاثُونَ	سی	عدد (عقود)	
دَلِيل	راهنما	اسم/صفت	جمع: أدِلَّة، أدِلَّة
عَمَال	کارگران	اسم (جمع)	مفرد: عامِل
كُنْتُ أَشْتَعِلُ	کار می‌کردم (ماضی استمراری)	عبارت فعلی	
لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ	وظیفه بود، تشکر لازم نیست	عبارت اصطلاحی	
مَا كَانَتْ عِنْدِي	نداشتم (نزد من نبود)	عبارت فعلی	
مُتَحَف	موزه	اسم مکان	جمع: مَتَاحِف
مُكْرَم	گرامی داشته شده	اسم مفعول/صفت	فعل: كَرَّمَ (گرامی داشت)
نُقُود	پول، پول‌ها	اسم (جمع)	مفرد (کم کاربرد): نَقْد

📌 نکات قواعدی مهم درس هشتم:

- فعل ماضی استمراری (الْمَاضِي الْمُسْتَمِرّ):
 - این ساختار برای بیان کاری به کار می‌رود که در گذشته به صورت مکرر یا برای مدتی ادامه داشته است.
 - ساخت: كَانَ (و صرف آن برای ضمایر مختلف) + فعل مضارع.
 - مثال از متن: كُنْتُ أَشْتَعِلُ فِي الْمَرْزَعَةِ. (در مزرعه کار می‌کردم).
 - كانوا يَكْتُبُونَ. (می‌نوشتند).
- ترجمه فارسی: معمولاً با "می + ماضی ساده" ترجمه می‌شود (می‌رفتم، می‌گفتند).
- مرور جملات پرسشی و پاسخ به آنها در مکالمه.
- اعداد عقود (۲۰، ۳۰، ۹۰): اشاره به کلمه ثَلَاثُونَ (سی). این اعداد در حالت رفع با وَن و در حالت نصب و جر با يَنْ می‌آیند (مثلاً: ثَلَاثُونَ / ثَلَاثِينَ).

📖 الدَّرْسُ التَّاسِعُ - نُصُوصٌ حَوْلَ الصَّحَّةِ (متونی پیرامون سلامتی)

🔑 واژگان کلیدی جدید و مهم درس نهم:

کلمه عربی	معنی فارسی	نوع کلمه (فعل، اسم، صفت...)	مفرد/جمع/متضاد/مترادف مهم
أَحْسَنَ	بهتر، بهترین	اسم تفضیل	
إِعْتَقَدَ	اعتقاد داشت، باور داشت	فعل ماضی	مضارع: يَعْتَقِدُ
أَمَكَنَّ	امکان داشت	فعل ماضی	مضارع: يُمَكِّنُ
إِنْتَبَاهَ	توجه، دقت	اسم مصدر	فعل: إِنْتَبَهَ (توجه کرد)
بَنَفَسَجِي	بنفش	صفت (رنگ)	
تَعَبَ	خستگی	اسم	فعل: تَعَبَ (خسته شد)
تَعْوِضَ	جبران کردن، جایگزین کردن	اسم مصدر	فعل: عَوَّضَ (جبران کرد)
تَلَوِين	رنگ آمیزی	اسم مصدر	فعل: لَوَّنَ (رنگ کرد)
تَنَاوَلَ	خورد، میل کرد	فعل ماضی (باب تفاعل)	مضارع: يَتَنَاوَلُ، مصدر: تَنَاوَلَ
جَزَرَ	هویج	اسم	
حَرَّكَ	تحریک کرد، به حرکت درآورد	فعل ماضی (باب تفعیل)	مضارع: يُحَرِّكُ
خَلِيبَ	شیر (نوشیدنی)	اسم	
خَطَأً	خطا، اشتباه	اسم	جمع: أَخْطَاءَ
سَخَاءَ (سَخَاوَة)	بخشنده‌گی، سخاوت	اسم	
سَمَاوِيَّ	آسمانی	صفت (رنگ)	
طَازَجَ	تازه	صفت	
طَبَّارَ	خلبان	اسم (صیغه مبالغه)	
عَصِيرُ الْفَاكِهَةِ	آبمیوه	ترکیب اضافی	فاکِهَة: میوه
غَارَة	حمله، یورش	اسم	جمع: غَارَات
قِشْرَ	پوست (میوه و ...)	اسم	جمع: قُشُور
قَلَّ	کم شد	فعل ماضی	مضارع: يَقِلُّ، متضاد: كَثُرَ
لَيْمُون	لیمو	اسم	
مُجَقَّفَ	خشک شده، خشکبار	اسم مفعول/صفت	فعل: جَقَّفَ (خشک کرد)
مَشْمِشَ	زردآلو	اسم	
مُهَدِّئَ	آرام بخش	اسم فاعل/صفت	فعل: هَدَّأَ (آرام کرد)
وَرَعَ	پارسایی، پرهیزکاری	اسم	
يَسْتَحْدِمُهُ	آن را به کار می‌گیرد، استفاده می‌کند	فعل مضارع	ماضی: اسْتَحْدَمَهُ

📌 نکات قواعدی مهم درس نهم:

- ساعت خوانی (تکمیل و مرور):
- در این درس، خواندن ساعت‌های مختلف با عبارت‌های ... وَ الرَّبْعَ (و ربع)، ... وَ النِّصْفَ (و نیم)، و ... إِلَّا رُبْعاً (یک ربع مانده به ...) به طور کامل مرور و تمرین می‌شود.
- استفاده از اعداد ترتیبی مؤنث برای بیان ساعت (مثلاً: السَّاعَةُ الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ : ساعت پنج و ربع).
- رنگ‌ها (الألوان): آشنایی با نام برخی رنگ‌ها به عربی و کاربرد آن‌ها به عنوان صفت.
- مثال: أَحْمَر (قرمز)، أَزْرَق (آبی)، أَخْضَر (سبز)، أَصْفَر (زرد)، أَبْيَض (سفید)، أَسْوَد (سیاه)، بَنَفَسَجِي (بنفش)، سَمَاوِيَّ (آسمانی).
- توجه: این رنگ‌ها برای مذکر هستند. مؤنث آن‌ها معمولاً بر وزن فُعْلَاء می‌آید (مثلاً: حُمْرَاء ، زُرْعَاء).

📖 الدَّرْسُ الْعَاشِرُ - رِسَالَةُ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي (نامه شهيد سلیمانی)

🔑 واژگان کلیدی جدید و مهم درس دهم:

کلمه عربی	معنی فارسی	نوع کلمه (فعل، اسم، صفت...)	مفرد/جمع/متضاد/مترادف مهم
اتِّصَالَ	تماس گرفتن، ارتباط	اسم مصدر	فعل: اتَّصَلَ (تماس گرفت)
أَرْجُو	خواهش می‌کنم، امیدوارم	فعل مضارع	ماضی: رَجَا
اسْتَحْدَمَ	به کار گرفت، استفاده کرد	فعل ماضی	مضارع: يَسْتَحْدِمُ
أَضْرَارَ	زیان‌ها، ضررها	اسم (جمع)	مفرد: ضَرَر
الْتِزَامَ	پایبندی، تعهد	اسم مصدر	فعل: اِلْتَزَمَ (پایبند شد)
أَهْدَيْتُ	هدیه کردم	فعل ماضی	مضارع: أَهْدِي، مصدر: إهداء
تَخْرِيرَ	آزادسازی، رهاسازی	اسم مصدر	فعل: حَرَّرَ (آزاد کرد)
تَعْرِفُونِي	مرا می‌شناسید	فعل مضارع	مفرد مذکر: تَعْرِفُنِي
نَمَنَ	بها، قیمت	اسم	مترادف: سِعْر، قِيَمَة
حاسوب	رایانه، کامپیوتر	اسم	جمع: حَوَاسِب
الْخَامِسَةَ عَشْرَةَ	پانزدهم	عدد ترتیبی مؤنث	
دُونَ إِذْنِكُمْ	بدون اجازه شما	عبارت (حرف جر + مضاف الیه)	إِذْن: اجازه
عَائِلَةً	خانواده	اسم	مترادف: أُسْرَة
لِأَيِّ شَيْءٍ	برای هر چیزی	عبارت (حرف جر + اسم)	
لَحِقَ بِبَيْتِكُمْ	به خانه شما رسیده است (آسیب)	عبارت فعلی	لَحِقَ: رسید، ملحق شد
مُسْتَعِدَّ	آماده	اسم فاعل/صفت	فعل: اسْتَعَدَّ (آماده شد)
نَسِيرُ	حرکت می‌کنیم، می‌رویم	فعل مضارع	ماضی: سَرْنَا، فعل: سَارَ
يُمْكِنُ الْقَوْلُ	می‌توان گفت، می‌شود گفت	عبارت فعلی	يُمْكِنُ: امکان دارد
يَنْهَضُ	برمی‌خیزد، بلند می‌شود	فعل مضارع	ماضی: نَهَضَ

📌 نکات قواعدی مهم درس دهم:

- **مرور جامع قواعد:** این درس معمولاً فرصتی برای مرور کلیه قواعد آموخته شده در طول سال تحصیلی نهم و حتی پایه‌های قبلی است.
- **انواع فعل (ماضی، مضارع، امر، نهی) و صرف آن‌ها.**
- **ماضی استمراری.**
- **ترکیب‌های وصفی و اضافی.**
- **ضمایر منفصل و متصل.**
- **اسم اشاره، کلمات پرسشی، حروف جر.**
- **فن ترجمه متون:** توانایی ترجمه یک متن عربی (مانند نامه) به فارسی روان و دقیق، با در نظر گرفتن تمام نکات واژگانی و قواعدی.